

## نگاهی به

## کتاب صناعتین

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

کتاب صناعتین ابی هلال عسکری ترجمه دکتر محمدجواد نصیری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ۶۸۳ص.

### صناعتین

ابی هلال عسکری

ترجمه: دکتر محمدجواد نصیری

انتشارات دانشگاه تهران

۱۳۷۲

کتاب صناعتین ابوهلال عسکری (متوفی ۳۹۵ هـ.ق) از مهم‌ترین کتب نقد و بلاغت است و مسلماً ترجمه شایسته آن می‌توانست جایی خالی را در کتابخانه ادبی ما پر کند. ترجمه‌ای که وسیله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده با توجه به اهمیت این سری انتشارات بیشتر مورد نظر است و از این رو بایستی در صحت و دقت آن مراقبت بیشتری به عمل می‌آمد؛ مع الاسف در مواردی به اشتباه برخورد شد که برخی از آنها ذکر می‌شود. با توجه به اینکه مطالعه کنندگان این کتاب بیشتر دانشجویان هستند، خوب است که مترجم فاضل در تجدید طبع، تجدید نظر کاملی در تمام کتاب به عمل آورند و همچنانکه خود اشاره کرده‌اند «عیب و نقص» ها را رفع کنند و آنجا که به «احتمال و تردید» ترجمه شد به جزم و یقین اصلاح فرمایند. در این مقاله با توجه به ارزشمندی اصل کتاب و با توجه به نیت صادقانه‌ای که مترجم در ترجمه اثر داشته‌اند، برخی از اغلاط مسلم نیمه اول کتاب با پیشنهادهایی در تصحیح آن، تقدیم می‌دارد؛ امید که در بهبود کار مؤثر افتد.

در صفحه ۱۱۶ س ۱۲: «لیلة» غلط و «لیلة» صحیح است و معنی عبارت باید چنین باشد «گویا دل من، شبی که گفته می‌شود لیلی عامریه صبح یا شام خواهد رفت، مانند مرغ قطة است ...»

در صفحه ۱۲۹: عبارت «من قرأ رقعته دعا علیها ولعن امه» جزء عبارت شاهد مثال نیست فتأمل!

در صفحه ۱۴۲: «بأسوان» غلط و «بأسوان» صحیح است. در صفحه ۱۲۹: ترجمه عبارت محل تأمل است. در ضمن از صفحه یک تا صفحه هفتاد و سه، مترجم مقدمه‌ای به عنوان «معیار البلاغه» بر کتاب افزوده است که صنایع بدیعی را با شواهد شعر فارسی ذکر می‌کند. معلوم نشد تناسب این مقدمه در حد جزوه بدیع دبیرستانها با کتاب صناعتین عسکری که متنی کهن در ادب عربی است، چیست؟ اینک نمونه‌هایی دیگر از تساهل و تسامح یا اشتباه در ترجمه:

ص ۷۹: ان الذین غدوا بلبک ... را معنی کرده است به: «براستی کسانی که به رهبری تو شب را صبح نمودند ...» درستش چنین است: «براستی کسانی که خرد تو را بردند ...»

ص ۱۱۷ س ۴: «عرس» را عروسی معنی کرده، در حالیکه هر نوع محفل مهمانی را عرس گویند گرچه برای عزا باشد.

ص ۱۲۹: ... وان لم تصف منک الخلاق را معنی کرده است به «... هرچند سرشتها از تو وصف نشده است». درستش این است که «... وان لم تصف منک الخلاق یعنی «... هرچند اخلاق تو صاف و پاکیزه نیست».

ص ۱۳۰: «تجلد» را چابکی معنی کرده، در اینجا به معنی اظهار نیرو و مقاومت است.

ص ۱۳۳: «مطال» را بخشندگی معنی کرده، صحیح آن تأخیر در ادای دین و سستی در عمل به تعهد و وعده است.

ص ۱۳۹: شعر را به صورت نثر نوشته، و مصرع آخر

شعر یعنی «و فراق کل معاشر لاینصف» را چنین معنی کرده: دوری از هر معاشری انصاف نیست» صحیح آن چنین است: «و دوری از هر معاشر بی انصافی»

ص ۱۴۶: «ان عوتب لم یعتب» را «اگر مورد عتاب واقع می شد عتاب نمی کرد» معنی کرده، صحیحش چنین است: اگر مورد عتاب واقع نمی شد عتاب در او اثر نمی کرد. در اینجا «لم یعتب» از «عتوب» است.

ص ۱۴۸: «بأبی شادن تعلق قلبی/ بجفون فواتر اللحظ مرضی» را چنین معنی کرده: «پدرم به فدای آهویچه ای که دلم به پلکهای چشم او آویخته، اشکهای نیم گرمش رضایت بخش است» ترجمه صحیح چنین است: پدرم به فدای آهویچه ای که دلم را آویخته است به آن پلکهای سست نگاه بیمار».

ص ۱۵۱: «کلانا واجد فی الناس ممّن ملّه خلفا» را چنین معنی کرده: «هر دوی ما در میان مردم از کسانی هستیم که آیندگان درباره ما قضاوت می کنند». درستش چنین است: «هر دوی ما در میان مردم برای کسی که از او به تنگ آمده، جانیشینی می یابد».

ص ۱۵۹/۱۶۰:

کائی انادی صخرة حین اعرضت

من الضم لو تمشی بها العصم زلت

را چنین معنی کرده: «گویا من سنگی را ندا می کنم زمانی که او از کبری اعراض کرد اگر کبره با او راه می رفت، می لغزید» ترجمه صحیح چنین است: «زمانی که او اعراض کرد گویا من یک صخره سنگی را ندا می کنم که اگر آهوی سپید بر آن راه می پیمود، می لغزید».

ص ۱۶۲:

علی سابع یعطیک قبل سؤاله

افانین جری غیر کز ولا دان

را چنین معنی کرده: «بر شناوری که پیش از سؤال از او و بدون درنگ و ترشروی شاخه های روان و جازی را به تو عطا می کند» درستش چنین است: «بر شناوری که پیش از درخواست از او، بدون درنگ و ترشروی انواع حرکت را بر تو عرضه می کند»

ص ۱۶۳:

وان امیرالمؤمنین برفقه

غزا کامنات الرد متی فنالها

را چنین معنی کرده: «و به راستی امیرالمؤمنین با مهربانی خود با مخفی کنندگان دوستی را از من جنگ کرد و به آنها دست یافت» درستش چنین است: «و براستی امیرالمؤمنین

با مهربانی خود بر دوستیهای نهفته من یورش برد و بر آنها غلبه کرد» یعنی توانست محبت نهانی مرا جلب کند.  
ص ۱۶۳:

وما زالت رقاک تسلّ ضغنی

وتخرج من مکامنھا ضبایی

ویرقبنی لک الراقون حتی

اجسابت حیة تحت التراب

را چنین معنی کرده: «تدبیر و افسونهای که همیشه باد، کینه های مرا از سینه بیرون می کشد و حقد و حسد را از مخفی گاه هایش خارج می نماید و اصلاح کنندگان به خاطر تو مریاری و اصلاح می کنند» جایی که ما هم از زیر خاک پاسخ می دهد. درستش چنین است: «افسون تو همواره کینه مرا از سینه بیرون می کشد و حقد و حسد را از مخفی گاههایش خارج می نماید و افسونگران به خاطر تو مرا افسون می کنند تا جایی که ما هم از زیر خاک پاسخ می دهد».

در صفحه ۱۶۴ (س ۷-۱۰): شعر را به صورت نشر نوشته و کلمه «جرباء» را به غلط «حرباء» نوشته، معنی درست عبارت چنین خواهد بود: «ای غره، کاش من و تو در چراگاه خلوت می چریدیم و از اهل خود دور می شدیم و هر دو بیماری گری داشتیم که هرکس ببیند بگوید نر و ماده گری است که با وجود زیبایی باید از او گریخت، و کاش ما هر دو از آن ثروتمند بیخیالی بودیم که نه ما را می چرانید و نه طلب می کرد» منظور شاعر عاشق پیشه این است که دور از دیگران با معشوقش خلوت می کرد.

ص ۱۶۷: «... تجریدک القنّاة من لحائھا» را چنین معنی کرده: «کشیدن تو نیزه را از زیر گلوی آنها» ... به احتمال قوی مراد پیراستن نی از پوستش باشد.

ص ۳۰۱: «ویدخل حبّھا فی کلّ قلب/ مداخل لا یغلغلھا مدام» را چنین معنی کرده: «محبت او در هر قلبی داخل می شود و در مدخلهایی که شراب آن را به غلیان در نمی آورد» درستش چنین است: «محبت او در هر قلب به مدخلهایی داخل می شود که شراب در آن نفوذ نمی کند».

در صفحه ۳۰۲: اعراب «وخیر الناس کلّهم آمامی» درست نیست درستش چنین است: «وخیر الناس کلّهم آمامی» و معنی چنین می شود: «بهترین همه مردم پیش روی من است» در صفحه ۴۵۶ س ۱: «أتغیرنی» غلط چاپی و «أتغیرنی» صحیح است.

و موارد دیگر نیز هست، ولی بدین مختصر اکتفا گردید.

\*